

زرگری و جواهرسازی در عصر صفوی

حسین میرجعفری* سیدمسعود سیدبنگدار**

چکیده

ایرانیان از همان ابتدای تاریخ خود علاقه وافری به جواهرات و هنر جواهرسازی نشان می‌دادند و هر گاه سلسله‌های قدرتمندی در کشور حاکمیت پیدا می‌نمود، اقتصاد کشور نیز پویاتر می‌شد و در پی آن خزاین مملکت غنی‌تر می‌گردید و مجموعه‌ای از گرانبهاترین گوهرها و زیورآلات در آن جمع‌آوری می‌شد. دوران باشکوه صفویه نیز از این امر مستثناء نبوده و در این دوران جلوه‌های هنر اصیل ایرانی در عرصه‌های گوناگون نمایانگر شده است. یکی از این هنرها هنر زرگری و جواهرسازی بوده است. سیاحانی مانند کمپفر، ژان باتیست تاورنیه، شوالیه شاردن، برادران شرلی و سانسون در سفرنامه‌های خود مطالب سودمندی در این موارد نوشته‌اند و با توصیفی از گنجینه‌های شاهان صفوی، ویژگیهای بعضی از سنگهای قیمتی و چگونگی ساخت و پرداخت آنها را شرح داده‌اند. سلاطین صفوی نه تنها برحفظ جواهرات همت می‌گماردند، بلکه به خرید و جمع‌آوری مجموعه سنگها و جواهرات ارزشمند نیز اهتمام می‌ورزیدند و گوهرهایی از هندوستان، عثمانی، ایتالیا و فرانسه خریده، به اصفهان می‌آوردند، و دستور ساخت آثار بی نظیری را می‌دادند. با هجوم افغانها و اشغال اصفهان، گنجها و دفاین، به یغما رفت و خزاین و بیوتات پادشاهی نابود گردید.

این تحقیق بر آن است تا با استفاده از نوشته‌های سودمند منابع تاریخی، همچنین سفرنامه‌ها و نوع دیگر از منابع، به روشن ساختن زرگری و جواهرسازی و موارد استفاده آنها در ایران عصر صفوی و نقش آن در سیاست و تمدن این دوره بپردازد. روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و تطبیق و تحلیل منابع موجود، به خصوص منابع اصلی بوده است. در این تحقیق تاریخی، پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، به سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل و سرانجام استنتاج آنها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

طلا، جواهر، زرگری، صفویه

* استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان hosein.mirjafari@yahoo.com

** دانشجوی دوره دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان masoudbonakdar@yahoo.com

پذیرش: ۸۶/۹/۴

وصول: ۸۵/۷/۲۹

مقدمه

هدف این پژوهش بر آن است تا چگونگی هنر جواهر سازی و زرگری در دوره‌ای خاص از تاریخ ایران یعنی دوره صفویه معلوم گشته، از بررسی آنها نقش زرگری و جواهرسازی در سیاست و تمدن این دوره مشخص شود. شایسته تذکر است که این مقاله صرفاً بر اساس دیدگاه‌ها و تحلیل‌های تاریخی تنظیم و تحقیق شده است و پرداختن به جنبه زیباشناسی و سبک‌شناسی هنری خود پژوهش متخصصان خاص هنری را نیاز دارد.

معادن ایران و نحوه بهره‌برداری از آنها در عصر صفویه

متأسفانه در خصوص معادن ایران عصر صفویه اطلاعات درخور توجهی به دست نیامد، اما در این مورد تنها شاردن، سیاح فرانسوی نوشته‌های ارزشمندی دارد که چکیده آنها ذیلاً نگاشته می‌شود. ایران با داشتن معادن و کانهای فراوان، از غنی‌ترین کشورها در زمینه منابع زیرزمینی است؛ از فلزات گرانبها نظیر طلا و نقره گرفته تا سایر منابع معدنی دیگر. در دوره صفویه تعداد کمی از این معادن مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است؛ این مطلب نشان می‌دهد که در این دوره فعالیتهای صنعتی عمده ای صورت نمی‌پذیرفته است. تعدادی معادن طلا و نقره نیز که شاردن با عنوان معدنیات خورشید و ماه از آنها یاد می‌کند، در این زمان استخراج می‌شده است. اما ایرانیان در توسعه و اکتشاف آن سعی فراوانی انجام نمی‌داده‌اند و فقط به آنچه که همیشه موجود بوده، اکتفا می‌نموده‌اند. شاردن در بیان علت این کوتاهی می‌نویسد: «اگر آنها نیز به مانند ما فعال و نگران و ناگزیر بودند، محال بود که تپه و گوشه‌ای از این کوه‌ها چندین بار شکافته و تحقیق نشود.» (۱۷: ج ۴، ص ۹۱). وی همچنین در سفرنامه خود به بیان انواع و اقسام اجبار ثمین (جواهرات قیمتی) موجود در ایران می‌پردازد و با نام بردن اسامی ایرانی سنگها، به توصیف و رده بندی و کیفیت آنها می‌پردازد. سنگ قیمتی در ایران بردو قسم است: یک نوع که در خود ایران موجود است، نظیر فیروزه و مروارید بحرین، و گروه دوم جواهراتی که توسط تجار ایرانی و خارجی از سایر نقاط جهان به کشور آورده می‌شد. از مهمترین سنگهای قیمتی موجود در ایران فیروزه است. در دوره مورد بحث، مراکز مهم استخراج فیروزه در ایران یکی

تاریخ استفاده از زیورها و گوهرها، به اندازه تاریخ پیدایش آدمیان در پهنه گیتی، کهن و طولانی است. آدمیان نخستین، هنگامی که از زیورها و سنگهای رنگین استفاده می‌کردند، هیچ‌گاه در این اندیشه نبودند که ظاهر خود را با آنها آراسته، بر زیبایی خود بیفزایند، چراکه آنان به اشیا و مواد گوناگونی که می‌شناختند، از نظر سودمند بودن و ارزشهای مادی و واقعیشان می‌نگریستند. ایرانیان نیز از همان آغاز تاریخ خود با گوهرها و زیورهای گوناگون سر و کار داشته‌اند. آبادانی کشور و علاقه‌مند بودن مردم این سرزمین به زندگانی پرتجمل و با شکوه، توأم با زیبا پسندی، همواره گوهرها و زیورها را مورد توجه مردم ایران قرار می‌داده است.

حماسه ملی ما ایرانیان (شاهنامه فردوسی) پر از گوهرها و زیورهای گوناگونی است که نیاکانمان آنها را می‌شناخته و به کار می‌برده‌اند.

ز خارا گهر جست یک روزگار

همی کرد از او روشنی خواستار

به چنگ آمدش چند گونه گهر

چو یاقوت و بیجاده و سیم و زر

پیدایش سلسله‌های بزرگ و نیرومند و تشکیل دربارهای باشکوه و ثروتمند، در طول تاریخ ایران، باعث گرد آمدن گوهرهای گرانبها و نایاب در گنجینه‌های ایران شده است و گوهرشناسی و گوهرتراشی و گوهرنشانی همواره در این سرزمین رواج داشته و مورد توجه خاص مردم بوده است. شکوه و جلال کاخهای افسانه‌ای شاهان ساسانی، دیپیم مرصع خسرو انوشیروان که با زنجیری طلایی از طاق کسری آویزان می‌شده است، به همراه تخت طاقدیس و فرش بهارستان خسرو پرویز و غیره، همه و همه نشان از ثروت فراوان دربارهای شاهان ایران دارد؛ ثروتی که افسانه‌های هزار و یک شب را در ذهن تداعی می‌کند. نگاهی به نام «جواهر نامه» هایی که در سده‌های گوناگون به نام شاهان و شهریاران ایران نوشته و تألیف گردیده است و نمونه‌ها و آثار فراوان از گوهرها و سنگ‌های قیمتی دیگر که در موزه‌ها نگاهداری می‌شود، خود بهترین گواه این توجه و علاقه است.

تا اسباب سفره زرین خسرو پرویز، همه گویای هنرمندی صنعتگران ایرانی در طول تاریخ بوده است. در دوره صفوی نیز صنعتگران ایرانی در ایجاد رشته‌های طلا ظرافت بسیاری داشته‌اند؛ چنانکه توسط آلات حدیده از یک قطعه شمش زرین یک مثقالی^(۵) رشته‌ای به طول نهصد ذرع^(۶) پدید می‌آورده‌اند. این رشته که به نازکی نوک سنجاق بوده است، بر روی دوکتهایی پیچیده می‌شده و بسیار آبدار و مستحکم بوده است و چنان که شاردن می‌گوید تا جایی که که دروهم بگنجد، زیبا و مستحکم بوده است (۱۷:ج:۴، ص:۳۳۵).

شاردن کنده‌کاری ایرانیان را در حد متوسط و حکاکی و نصب جواهرات را خوب می‌داند، اما بیان می‌دارد ایرانیان مطلقاً از فن میناسازی بی اطلاع هستند (۱۷:ج:۳، ص:۳۵۴). تاورنیه نیز در مورد زرگرهای بازار تبریز می‌نویسد که آنها به غیر از انگشتریهای بدترکیب نقره چیز دیگری نمی‌توانسته‌اند بسازند (۹: ص:۹۷).

در میان شاهان صفوی، شاه عباس دوم، به کالاهای اروپایی دل بسته بوده، به همین لحاظ تعداد زیادی از هنروران فرانسوی و هلندی را در دوران او به کشور آوردند. وی عده‌ای زرگر و متخصص ذوب فرانسوی را به ایران دعوت کرده بود که در زرگرخانه زیر نظر ناظر به زرگری بپردازند (۲۱:ص:۱۵۱) (۲۱: p41 : p131; 38). شاه عباس دوم همچنین در موردی دیگر ترتیب یک ساختمان مجزی همراه با چرخهای الماس تراش اروپایی را برای گوهریان ارمنی می‌دهد (۱۷:ج:۷، ص:۱۷۷) که نشان از رونق صنعت جواهرسازی و بازار جواهرات در دوره شاه عباس ثانی دارد (۱۷:ج:۳، ص:۲۲۷، ص:۳۶۸). میل شاه عباس دوم به جواهرات به حدی بود که خود طرحی برای تهیه جقه دستارش کشیده و دستور ساخت آن را داده بود (۹: ص:۴۷۳).

آمدن صنعتگران اروپایی به ایران باعث شد تا ایرانیان با دستاوردهای اروپاییان در این زمینه و همچنین سبکهای تازه هنر زرگری و جواهرسازی در اروپا آشنا شوند و با بهره‌گیری از تجربیات گذشته و آمیختن ذوق و سلیقه ایرانی با سبکهای جدید اروپایی به ایجاد آثار بدیع و تازه بپردازند.

نیشابور است و دیگری در کوهی به نام فیروزه کوه (۱۷:ج:۴، صص:۹۷ و ۹۸) شاردن به هنگام توصیف قلعه طبرک از مخزنی یاد می‌کند که چهارطاق واقع در چهارگوشه آن کاملاً مملو از فیروزه است و فیروزه‌های تراشیده به مانند خرمن گندم روی هم انباشته شده و تراشیده‌ها در کیسه‌های بزرگ چرمی که هریک چهل و پنج تا پنجاه لیور^(۱) وزن داشته، نهاده بوده است (۱۷:ج:۷، ص:۲۷۱). اما بعد از فیروزه دیگر جواهری که در ایران به دست می‌آید، مروارید بوده و هست که در سرتاسر خلیج فارس و به خصوص در اطراف جزیره بحرین صید فراوان داشته است و مرواریدهای آن معمولاً ده تا دوازده جبه^(۲) وزن داشته است. صیادان طبق مقررات سخت‌گیرنده‌ای ناگزیر بوده‌اند مرواریدهایی را که از حد مذکور بالاتر بوده، به شاه تسلیم کنند. عایدات صید مروارید بیشتر از یک میلیون (لیره؟) فایده داشته است. علاوه بر معادن ایران، سنگهایی نیز از خارج وارد می‌شد که مهمترین آنها زمرد و یاقوت بوده است. ایرانیان برای زمرد انواعی قایل بوده‌اند. عالی‌ترین آن زمرد مصری، درجه دوم آن را زمرد قدیمی و درجه سوم آن را زمرد تازه می‌نامیده‌اند. منابع ورود زمرد به ایران را از مصر، کلگنده^(۳)، هند و پی‌گ^(۴) در بیرمانی دانسته‌اند (۱۷:ج:۴، صص:۹۱-۱۰۱).

از جملات فوق چنین مستفاد می‌شود که در این دوره زمانی تا چه حد تجارت رونق و گسترش یافته بوده است که از نقاط مختلف جهان سنگهای قیمتی را حمل و به ایران وارد می‌نموده‌اند. آوردن چنین کالاهای ارزشمندی نیاز به وجود امنیت و تأمینات جانی و مالی داشته که می‌توان گفت تا حدودی در این دوره برقرار بوده است.

فن زرگری و گوهرتراشی

هنر زرگری و طلاسازی سابقه‌ای بس دیرین در هنر ایران زمین دارد. کشفیات گوناگون در ایران مؤید این نکته است که ایرانیان از زمانهای بسیار دور با این هنر آشنایی داشته و آثار فاخر و گرانبهایی را به‌وجود آورده‌اند. آثاری نظیر ریتونها و جامه‌های زرین، همچنین زینت آلات و اشیای ارزشمند دیگری که در تاریخ سلسله‌های پیش از اسلام ایران به آنها اشاره شده است؛ از تاج پادشاهان هخامنشی و تخت معروف طاق‌دیس در دوره ساسانی گرفته

بخش قلعه و گنجینه شاهی صفوی بوده که از آن با عنوان مخزن حفاظ نیز یاد کرده‌اند. و «سخت به ندرت و به عنایت عظیم (شاهانه) درون باروی مزبور می‌شدند» (۱۷:ج۷، ص ۲۶۸). شاردن دوبار افتخار راهیابی به خزانه جواهرات سلاطین صفوی را پیدا می‌کند، به ویژه بار دوم زمانی بوده است که برای دیدار اهل حرم شاه سلیمان صفوی، زبده‌ترین و زیباترین جواهرات را به نمایش گذاشته بوده‌اند. وی می‌نویسد: این خزانه به سه قسمت تقسیم شده است و هر مخزن شامل تالار گردیست که چهار اتاق در چهار گوشه آن مشاهده می‌شود. در مخزن نخست از سلاحهایی یاد می‌کند که قسمتی از آن به صورت توده و قسمتی برسکوه‌های اطراف دیوارها نهاده شده است، اما سلاحهای گرانبهرتر را در صندوقهایی عظیم نگهداری می‌نموده‌اند. تسلیحاتی که زرکوب و سیم اندود قلمزده و کنده کاری شده و مکمل به گوهر و جواهر بوده است. شاردن در مورد شمشیرهای گرانبها که سراسر آنها از قبضه تا غلاف مرصع و مذهب بوده و نیز از تیغه‌های دسته مرجان و عقیق و کهربا و یمانی و بلور سخن نمی‌گوید چون باور دارد این چیزها در مقابل اشیای دیگری که دیده است، سخت بی مقدار است. وی با تعجب می‌نویسد: «مجموعه اشیاء نادره کلیه نقاط جهان، که اگر برای العین مشاهده نمی‌کردم، هیچ‌گاه نمی‌توانستم باورنمایم که آنقدر جواهرات و ثروت در آنجا وجود دارد، گنج‌ها و کشورهای بزرگی که در این سو و آن سو باز کردم و تمام آنها را انباشته از زنجیرهای زرین قاب‌ها و غلاف‌های گرانبها و دستبندهای آراسته به هرگونه جواهرات یافتیم» و چنان غرق مسرت و هیجان گشته که می‌گوید به زحمت می‌توانستم تمام مشهودات خود را ضبط نمایم و در این حالت ناظر به او می‌گویم اگر بتوانی تمام صندوق‌ها را یک به یک ببینی در جای خود خشک خواهی شد. وی ارزش این گنجینه را بسی هزارها هزار پیستول^(۸) می‌شمارد و کمیت جواهرات را لاتعد و لاتحصی می‌داند (۱۷:ج۷، ص ۲۷۳). شاردن در جای دیگری از کتاب خود از مرواریدهای شاه سخن می‌گوید که معتقد است زیباترین جواهرات شاه مرواریدهای اوست، رشته مرواریدهایی به درازای نیم «اون» و یا سه ربع «اون». که وزن هر دانه آن بالغ بر ده دوازده قیراط^(۱۰) بوده است. وی در ادامه

در ایران دوره صفوی تراش جواهرات نیز صورت می‌گرفت؛ البته تراش جواهرات در ایران به پای تراش جواهرات در غرب نمی‌رسید؛ چنانکه سنگهای تراشیده شده در مشرق بعد از رفتن به اروپا دوباره تراش می‌خورده است و در نظر آنها تراش شرقی سخت معیوب و ناقص جلوه می‌نموده است (۱۷:ج۷، ص ۱۷۷). جواهرتراشان ایرانی چرخ (تراش) خویش را از دو قسمت سنباده و یک قسمت لاک درست می‌کردند و عقیده داشتند که فن ساختمان چرخها نیز از اهمیت بسیار برخوردار است و بایستی در تعبیه آن دقت و اهتمام بسزایی مبذول داشت. گوهریان چرخ خویش را که به گیره گردی تعبیه شده، با کمانی در یک‌دست و گوهر در دست دیگر بر چرخ نگه می‌داشته و می‌چرخانده‌اند. جهانگرد فرانسوی می‌افزاید در تراش پخ و مورب بدین ترتیب مشکل است که کاملاً درست انجام شود، ولی در عوض سهل و کم خرج است. هنگامی که قصد صیقل سنگ را دارند، به جای چرخ مزبور، چرخ دیگری که از بید سرخ ساخته شده و رویش قلع مکلس یا سنگ طرابلس پاشیده‌اند، به کار می‌برند. ایرانیان را دو نوع سنباده بوده؛ یکی ایرانی و دیگری هندی که دارای خواص مختلف بوده است (۱۷:ج۴، صص ۳۴۵ و ۳۴۶).

محل کار جواهرسازان و جواهرفروشان اصفهان بیشتر در حجره‌های اطراف میدان نقش جهان بوده است (۴: صص ۲۳۸ و ۲۳۹).

قلعه طبرک مخزن خزاین سلطنتی در عصر صفوی

قلاع همواره یکی از مناسبترین محلها برای نگهداری خزاین و جواهرات پادشاهان بوده است. در منابع صفوی از قلاع گوناگونی به عنوان خزاین پادشاهان صفوی نام برده شده است؛ قلعه‌هایی نظیر قلعه قهقهه که در زمان شاه طهماسب ششصد شمش طلا و ششصد شمش نقره در آن نگهداری می‌شده است (۳۳: ص ۱۳). قلعه دیگر، قلعه طبرک بوده است.

قلعه طبرک یکی از مهمترین قلعه‌های شهر اصفهان بوده که خزاین و جواهرات سلاطین صفوی در آن نگهداری می‌شده است. جواهراتی که جدای از جواهرات شخصی خاندان سلطنتی بوده است. باروی قلعه مهمترین

آلکسیس^(۱۲) تقدیم شده است. تزار روسیه در عوض این تخت ۴۰۰۰ روبل نقره و ۱۹۰۰۰ روبل مس به انضمام اجازه تجارت همراه با معافیت گمرکی اهدا می کند. جنس این تخت از چوب صندل است که با صفحات طلا و نقره روکش گردیده و بر روی آنها نقش گلها و گیاهان قلمزنی شده است. در پایین تخت طرحی از فیل ها و سوارهایشان قلمزنی و کنده کاری گردیده است. در روی تکیه گاه تخت در قاب مروراید دوزی شده ای این جملات گلدوزی شده است: «برای قویترین و شکست ناپذیرترین امپراطور آلکسیس مسکوی که با سعادت بر زمین حکمرانی می کند. این تخت با هنرمندی بسیار ساخته شد که این نشانه ای از سعادت ابدی در ملکوت خواهد بود در سال ۱۶۵۹ سرور ما [حضرت عیسی] خواهد بود». در حدود ۹۰۰ قطعه الماس و فیروزه تخت را به طور بسیار زیبایی پوشش می دهد (249-246 p.p : 37)

دومین قطعه ارزشمند در قلعه طبرک کلاه یا تاج صفوی است که شاردن آن را شبیه به کلاه رؤسای مجلس (پارلمان) می داند. این کلاه که جنس آن از پارچه های بسیار لطیف و قیمتی ایرانی و هند بود، با جواهرات بسیار قیمتی نظیر زمرد و الماس و مروراید و یاقوت ترصیع شده بود و بر روی آن پره های گرانبها و جقه های نفیس نصب گردیده بود. سیاحان بهای تاج صفوی را به تخمین خیره ها و مردم بصیر حدود صد هزار تومان^(۱۳) دوره صفوی و پنج میلیون فرانک آن دوره برآورد کرده اند (۲۱: ص ۴۸: ۱۱: ج ۹، ص ۱۰۲).

دو قطعه دیگر یک شمشیر ایرانی به عرض دو الی سه انگشت، تقریباً قوسی و به شکل هلال و دیگری خنجر مرصع بوده که شاردن می نویسد: «از کثرت جواهر نمی توان گفت از چه ساخته شده ولی لابد باید از طلا باشد.» (برای اطلاع بیشتر ن.ک: ۱۷: ج ۹ صص ۱۰۰-۱۰۲). اکنون در موزه کرمین خنجر، تبر و گرز مرصعی موجود است که از طرف شاه عباس صفوی به تزار آلکسیس، و از سوی شاه سلیمان در سال ۱۶۹۲ به یکی دیگر از تزاران روسیه هدیه گردیده است. این جنگ افزارها به زیبایی طلا کاری و قلمزنی و کنده کاری شده اند و با جواهرات نفیسی ترصیع گردیده اند که نمایشگر ظرافت هنر جواهرسازی در این دوره است (144,145 p.p : 37).

می نویسد: یاقوتی به اندازه نصف تخم مرغ دیدم که زیباترین و خوشرنگ ترین گوهری بوده که مشاهده نموده است. در حوالی نوک آن یاقوت نام شیخ صفی را حک کرده بودند، بی آنکه از ضایع شدن آن بیمی داشته باشند (۱۷: ج ۸، ص ۳۰۹).

از مهمترین قطعه های جواهر که در این خزانه نگهداری می گردیده، یکی اورنگ شاهی، دیگری تاج قزلباش پادشاه و دو قطعه دیگر شمشیر و خنجر بوده که در تاجگذاری ها از آن استفاده می شده است و شاردن و کمپفر در سفرنامه های خود از آن یاد کرده اند. تخت سلطنتی با روکشی بسیار ضخیم از طلا و مرصع به انواع سنگ های قیمتی و چنان سنگین بوده که دو نفر آن را به زحمت حمل می کرده اند (برای اطلاع بیشتر ن.ک. ۱۷: ج ۹، ص ۹۹). در سفرنامه برادران شرلی از تخت دیگری در قزوین یاد می شود که از جنس نقره بوده و مکمل به فیروزه و یاقوت گردیده بوده است و شش الماس بزرگ داشته و نشیمن آن از مخمل گلی و مروراید دوزی تهیه شده بوده است این تخت به جهت استفاده شاه عباس ساخته شده بوده است (۲۰: ص ۸۴). همچنین از این دوره دو تخت بسیار گرانبها نیز در موزه کاخ کرمین مسکو موجود است. یکی از این تخت ها در سال ۱۶۰۴ میلادی از طرف شاه عباس اول به تزار یوریس گدونوف^(۱۱) تقدیم شده بود. تخت که سبک شرقی دارد، دارای تکیه گاه و پشت کوتاهی است و چهار قبه مرصع به یاقوت و فیروزه در چهار طرف تخت قرار دارد و به استادی تمام زینت هایی نظیر برجسته گیهای طلایی، فیروزه های آبی رنگ و یاقوت های سرخ رنگ در این تخت استفاده کرده اند. پشت و دسته تخت و قسمت های پایین تخت با مخمل طلایی رنگ ایرانی پوشیده شده بوده است، اما در سال ۱۷۴۲ هنگامی که تخت را برای تاجگذاری آماده می نموده اند، مخمل ایرانی تخت با مخمل فرانسوی تعویض می شود.

ارسال این تخت از سوی شاه عباس اول برای تزار روسیه مبین اهمیتی است که در این مقطع زمانی شاه عباس برای روابط خود با روسیه قایل بوده است.

تخت دوم موسوم به تخت الماس است که از طرف یک شرکت ارمنی در ایران به جهت انجام تجارت و دریافت معافیت از پرداخت گمرک در روسیه به تزار

ترتیب و تعداد اسبان درمواقع تشریفاتی بستگی به موقعیت و جایگاه سفیر و پادشاهی داشته است که مورد استقبال قرار می‌گرفته است (۹:ص۳، ۴۶۰: ص ۱۸۹). در کنار اسبان شاهان صفوی در مواقعی حیوانات وحشی، نظیر فیل و شیر و پلنگ کمیاب را در این مراسمها به نمایش می‌گذاشته‌اند که آنها نیز تمام میخ و زنجیرها و ظروف غذایشان از طلا بوده است. (۱۶: صص ۸۱ و ۸۲؛ ۱۷:ج ۳، ص ۲۰؛ ۲۶، ۲۴۷: ص ۹۶). این تجملات شامل حیواناتی که در شکارهای صفوی همراه آنها بوده اند نیز می‌گردیده است. «بعد از تکرار شکار شیران اژدها کردار خسرو قدرشناس امر فرمودند که قلاده مرصع و زنجیر طلا به جهت ایشان ترتیب داده، محفها به لاجورد و طلا تزیین نمایند و پیکر ایشان را به جهت امتیاز به جلهای زربفت آریند» (۳۴: ص ۱۵۶).

۲- زینت آلات ایرانیان در عصر صفوی

از زمانهای بسیار دور ایرانیان علاقه وافری به شکوه و تجملات داشته‌اند. این نمود در لباس و آرایش و استفاده از جواهرات و زینت آلات بسیار مشهود بوده است. نوشته‌های بازمانده در مورد ایرانیان پیش از اسلام شاهی است براین مطلب. کمپفر در این مورد می‌نویسد: از قدیمترین ازمینه، ملت ایران به تجمل دلبستگی داشته است و خود این علاقه موجب شده که هر فرد ایرانی در زندگی پارا از گلیم خود فراتر بگذارد (۲۱:ص ۲۷۶). شاردن معتقد است این روح تجمل ایرانی بیشتر از هر علت دیگری ایرانیان را به خاک فلاکت می‌نشانند. در ایران شکوه و تجمل را هرگز سرزنش و مذمت نمی‌کنند، بلکه بالعکس به طور کلی دبدبه و طنطنه مورد تشویق هم قرارمی‌گیرد و بیش از پیش رواج داده می‌شود و این ضرب المثل را بیان می‌کند که قربت، با لباس؛ افتخار، با پوشاک است (۱۷: ج ۴، ص ۲۲۳).

این شرایط ایجاد شده باعث می‌گشت تا از کارایی دولتیان و بزرگان برای رسیدگی به امور کشوری کاسته شود و به جای پیشبرد مقاصد کشور، معطوف تشریفات و تجملات زندگی گردد.

تجملات ایرانیان در پوشاک و زینت آلات جواهرنشان و آرایش زین و یراق اسبان سخت باشکوه بوده است. کلاه‌های اعلی، کمربندهای زربفت که با هنرمندی از

چنین مجموعه بی نظیر و ارزشمندی که نتیجه سالها انباشت ثروت بوده است، بدون اینکه بتواند در اقتصاد کشور و عمرانی مملکت مورد استفاده قرار بگیرد، صرف ایجاد اشیای زینتی و تجملی می‌شده است. این امر باعث می‌گشت تا با گذشت زمان اقتصاد کشور ضعیف تر گردد و از کاربری آن در مصارفی که موجب آبادانی و نوسازی کشور می‌گردید، جلوگیری بشود. چنانکه مؤلف **تسرفنامه** یادآور می‌شود، شاه طهماسب به هنگام مرگ ۳۸۰ هزار تومان مسکوک طلا و نقره به همراه ششصد عدد خشت طلا و نقره که هر کدام سه هزار مثقال وزن داشته است و در حدود ۸۰۰ سرپوش غذای از جنس زر و سیم و به همراه دیگر نفایس در خزانه خود انبار کرده بوده است (۷: ج ۲، صص ۲۵۱-۲۵۲).

انواع و اقسام مصنوعات جواهرنشان در عصر صفوی

۱- زین و یراق چهارپایان

بخش دیگری از جواهرات سلسله صفوی که در بیشتر سفرنامه‌ها به آن به طور مفصل پرداخته شده، جواهراتی است که در زین و یراق اسبان اصیل دربار صفوی جلوه‌گری می‌نموده است. هریک از این اسبها به قدر یک خزانه پر از جواهر ارزش داشته‌اند، زیرا رکابها، دهنه‌ها، سینه‌بندها و قسمت های جلو و عقب زین ها نیز همه از طلا بوده و روی طلاها میناکاری کرده بوده‌اند و بر روی آنها برلیان و یاقوت و انواع جواهرات قیمتی دیگر می‌نشانده‌اند. همچنین روپوشهای روی کفل اسبها که بسیار بزرگ بوده، همه از طلا و جواهرنشان بوده است (۱۶:ص ۸۲؛ ۱۷: ص ۶۶). سیاح دیگری می‌نویسد: «زین و برگ این بادپایان، بسیار عالی و با شکوه و درسرتاسر جهان عدیم‌النظیر بود» (۱۷:ج ۳، ص ۲۶۴). پا و گردن اسبها را با طنابهای ابریشم و زرین به میخ طویله‌های طلایی می‌بستند و در مقابل آنان طشت‌هایی از زرناب قرار می‌دادند. همچنین افرادی با تخمق‌هایی از زرناب زنجیرهایی طلایی را که به پای اسبان بسته شده بود، محکم می‌کردند (۴:ص ۱۹۳، ص ۲۵۰؛ ۳۱:ص ۳۲).

رشته‌های طلا بافته می‌شد و پارچه‌های ابریشمی بسیار نفیس که اوتار طلا و نقره در زیباتر نمودن آنها نقش بسزایی داشته است، مشتاقان بسیار زیادی در خارج کشور داشت و از اقلام مهم صادراتی دوره صفویه به حساب می‌آمد (1647: p 246; 25: vol. vi. p 41). لباس بسیاری از بزرگان و افراد خاندان سلطنت به طور خیره‌کننده‌ای جواهردوزی و مرواریددوزی می‌گردیده (۱۲: ص ۳۶۰)؛ چنانکه در این رابطه یکی از جهانگردان اظهار می‌دارد بیشترین بخش جواهرات عمه شاه سلیمان، همسر مجتهد اعظم و دختر شاه صفی بر روی لباسهای او دوخته شده، که وی به خاطر ملاحظات و رسوم کشور از دیدن آنها محروم می‌ماند و اظهار می‌دارد در این مملکت نمایش پوشاک بانوان را فضیحت و رسوایی می‌شمارند (۱۷: ج ۳، ص ۳۰۲). مهمتر از همه، لباس شاهان صفوی بود که در موقعیت‌های گوناگون با انواع جواهرات و سنگها زینت می‌یافت و دکمه‌هایی از جواهر بر روی آن نصب می‌نمودند (۹: ص ۶۲۳).

مزین شده بوده است (۹: ص ۱۱۳). بزرگان و حکام جدید مطابق رسم آن زمان برای خود دستور ساخت قمه و خنجر و یراق جدید می‌دادند (۹: ص ۱۱۳) و هرچه می‌توانستند جواهرات قیمتی به خنجرهای خود می‌نشانند. در منابع از خنجر شاه عباس دوم صحبت می‌شود که مرصع به یک تخمه الماس شصت قیراطی بوده است و با سایر جواهراتی که در خنجر به کار برده شده دوازده سیزده هزار تومان معادل دویست هزار اکو^(۱۴) قیمت داشته است (۹: ص ۶۲۳). زینت دیگر بزرگان جقه‌هایی بوده است که اشراف به کلاه‌های خود نصب می‌نموده‌اند. البته، گروهی از سیاحان استفاده از جقه را مخصوص به شاه و تازه دامادها می‌دانستند (۱۷: ج ۴، ص ۲۳۰). این کلاهها مزین به جقه و مکمل به انواع جواهر و پر بلشون می‌بوده و بهای برخی از آنها از دوسه هزار فرانک تجاوز می‌نموده (۱۸: ج ۳، ص ۱۲۸۹). تاورنیه در توضیح جقه شاه می‌نویسد: آن جقه به چهارزنجیر بسته شده بود که دور کلاه پیچیده بود. در وسط آن جقه مرواریدی نصب شده بود به وزن پنجاه قیراط؛ درست به شکل امرو و اطراف آن لعل‌ها و یاقوت‌های خیلی درشت کار کرده بودند (۹: ص ۴۶۱). سیاح دیگر نیز بعد از توصیف خنجر زمردنشان و شمشیر مرصع شاه سلیمان به توصیف جقه او می‌پردازد که جقه سرخی مرکب از یاقوت و الماس برسر داشته که از اطراف آن رشته‌های مروارید آویزان بوده است (۱۷: ج ۹، ص ۱۱۵). این نویسنده همین‌طور در سفرنامه خود از دو جقه دیگر شاه سلیمان که پادشاهی بسیار علاقه مند به جواهرات بوده است یاد می‌کند که یکی مرصع به یاقوتی ۱۶۰ قیراطی و دیگری به الماسی به قیمت دویست الی سیصد هزارلیور مزین بوده است (۲۵: ص ۷۷؛ ۱۷: ج ۹، ص ۱۰۲). اما شاه عباس اول برخلاف اسلاف خود بیشتر تمایل به حفظ سادگی داشته است. وی با لباس مبدل اوقات زیادی را صرف قدم زدن در خیابان و بازارها و صحبت با مردم عادی می‌نموده و جامه و پوششش نیز مانند رفتارش ساده و بی تکلف بوده است.

در کتاب **نامه‌های شگفت‌انگیز پدر روحانی** می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که شاه با بهتر جلوه کردن جلال و درخشندگی لباس افسران، می‌خواهد در میان آنان همان کاری را کند که سایه‌ها در یک تابلوی نقاشی

رشته‌های طلا بافته می‌شد و پارچه‌های ابریشمی بسیار نفیس که اوتار طلا و نقره در زیباتر نمودن آنها نقش بسزایی داشته است، مشتاقان بسیار زیادی در خارج کشور داشت و از اقلام مهم صادراتی دوره صفویه به حساب می‌آمد (1647: p 246; 25: vol. vi. p 41). لباس بسیاری از بزرگان و افراد خاندان سلطنت به طور خیره‌کننده‌ای جواهردوزی و مرواریددوزی می‌گردیده (۱۲: ص ۳۶۰)؛ چنانکه در این رابطه یکی از جهانگردان اظهار می‌دارد بیشترین بخش جواهرات عمه شاه سلیمان، همسر مجتهد اعظم و دختر شاه صفی بر روی لباسهای او دوخته شده، که وی به خاطر ملاحظات و رسوم کشور از دیدن آنها محروم می‌ماند و اظهار می‌دارد در این مملکت نمایش پوشاک بانوان را فضیحت و رسوایی می‌شمارند (۱۷: ج ۳، ص ۳۰۲). مهمتر از همه، لباس شاهان صفوی بود که در موقعیت‌های گوناگون با انواع جواهرات و سنگها زینت می‌یافت و دکمه‌هایی از جواهر بر روی آن نصب می‌نمودند (۹: ص ۶۲۳).

الف - زینت آلات مردان

تجملات مردان در ایران شامل اسلحه‌های مرصع، زین و یراق گوهرنشان و جقه‌های مرصع به همراه انگشترهایی بوده است که بردست می‌نموده‌اند. ایرانیان اسلحه‌های خود را با جواهرات می‌آراسته‌اند فی‌المثل خنجر و شمشیر و بند و حمایل آنها نیز مرصع بوده است. ذوق و سلیقه ایرانیان برای زیورآلات و آرایش و شکوه و جلال چنان بوده که یک بزرگزاده در خوراک خود به نان و دوغ قناعت می‌کرد تا بتواند چیزی برای آرایش خود و اسبش تهیه کند (۲۶: ص ۹۸).

شاید بتوان چنین اظهار نظر کرد که چنین طرز تفکری نمی‌توانسته سازگاری چندان با روحیه جنگاوری سپاهیان در اواخر دوران صفوی داشته باشد، چنان که سپاهیان صفوی که در آغاز توانسته بودند با سادگی به چنان فتوحات بزرگی دست یابند، در پایان این سلسله بر اثر افراط در تجمل‌گرایی از گروهی افغان یاغی شکست خوردند.

قیمت خنجرها بسته به استطاعت و شوون صاحب آن بود؛ به طوری که پست‌ترین آنها دسته و غلافش از نقره

از ورقه‌های طلا پوشیده به جواهر زیب پیکر خود می‌نموده‌اند (۱۷:ج ۴، ص ۲۲۱؛ ۱۶:ص ۱۲۴). به همین نسبت زنان دربار صفوی مجموعه‌ای از گرانبهاترین جواهرات را دارا بوده‌اند. شاردن از خرید الماس ۵۶ قیراطی به قیمت چهل هزار اکو برای ملکه مادر سخن می‌گوید (۱۷:ج ۳، ص ۱۸۶) و در جایی دیگر به خرید گردنبند مرواریدی به قیمت ده هزار اکو برای دختر شاه صفی اشاره می‌کند. این گردنبند عبارت از سی و هشت قطعه مروارید شرقی بود که هر قطعه آن بیست و سه قیراط وزن داشته و بسیار خوش ترکیب و خوشاب بوده است، گوشواره‌های هم عبارت بوده از یک جفت گلوله مانند نتراشیده و زمخت خوش رنگ که هر قطعه آن دو گروس^(۱۵) و نیم وزن داشته است». این جواهرات در استانبول به صدویست هزار اکو خریداری گردیده است. جواهرات این شاهزاده خانم بالغ بر چهل هزار تومان دوره صفوی قیمت داشت که معادل هیجده هزار لیره می‌شد (۱۷:ج ۳، ص ۳۰۲).

یکی دیگر از بانوان دربار صفوی که اطلاعات جالبی در مورد موجودی جواهرات وی داریم، تاجلی خانم، همسر شاه اسماعیل اول است که در جنگ چالدران شجاعت‌هایی را از خود نشان داده است. وی پس از اسیر شدن در جنگ، چاره خود را در این می‌بیند که با دادن جواهراتش به سردار عثمانی آزادی خود را باز بیابد. مسأله اسارت و آزادی وی در مقابل گرفتن جواهراتش پس از مدتی به گوش سلطان سلیمان می‌رسد و او افرادی را مأمور روشن شدن قضیه می‌نماید. آنها گزارشی از صورت جواهرات تاجلی خانم تهیه می‌نمایند که این سند اکنون موجود است. جواهرات تاجلی خانم شامل یک جفت گوشواره خوشه‌ای با سنگهای گرانبها، مرواریدهای امرودی، دستبندهای طلا و مروارید، زنجیر طلا با سنگ یشم، جعبه و مهر طلا، انگشتری‌های طلا مرصع به لعل و فیروزه و یک دست لباس ابریشمی زر مزین به ۲۵ عدد دگمه از جواهرات بوده است (۳۲: ص ۴۸۱). نکته جالب در مورد جواهرات تاجلی خانم این است که این بانو چنین جواهرات بسیار گرانبهایی را در سفر و آن هم یک سفر جنگی با خود حمل می‌نموده و شاید این جواهرات بخشی از مجموعه جواهرات گرانبهای او بوده است.

می‌کند، زیرا خود او به طور تصنعی به طرزی بسیار ساده لباس می‌پوشد و فقط جقه‌ای که در سمت چپ عمامه او قرار دارد، با گوهرهای بسیار زینت شده است و او را از دیگران مشخص می‌سازد» (۲۶: ص ۹۸؛ ۱۶: ص ۸۶). مردان همچنین انگشتریهای جواهر بسیار و تقریباً به قدر بانوان خود در انگشتان خویش می‌نموده‌اند. فقط در هر یکی پنج یا شش عدد، ولی فقط به سه انگشت میانین انگشتری به دست می‌نموده‌اند که البته به خاطر حرمت طلا بر روی رکابی از نقره نصب می‌گردیده است. علاوه بر انگشتریهایی که مردان در انگشتان خویش داشته‌اند، اشخاص ثروتمند کیسه جواهراتی که تعدادش بالغ بر هفت یا هشت و یا بیشتر بوده، بر رشته‌ای که از گردنشان آویخته می‌شده است، تعلیق می‌نموده‌اند و معمولاً مهر و یا صره‌ای نیز بر رشته مزبور بند می‌کرده‌اند. تمام این دستگاه مابین کلیچه و قبا محفوظ بوده و هنگامی که می‌خواستند برونوشتی‌های خاتم نهند و یا با تماشای گوهرها به تفریح بپردازند و یا آنها را به دیگران نمایش بدهند، آنها را بیرون می‌آورده‌اند.

با مطالعه در زندگی اشراف عصر صفوی به این نتیجه می‌توان رسید که این تفاخر به ثروت از دو نظر قابل توجه است: در نگاه نخست نشان می‌دهد که جامعه دارای چه میزان امنیت بوده است که مجال چنین تفاخرهایی را به افراد می‌داده است و دیگر آنکه نشان می‌دهد ارزشهای اولیه حاکم بر جامعه صفوی تا چه حدی رو به تغییر بوده است.

ب - زینت آلات بانوان و حرمسرای شاهی

زینت آلات بانوان ایرانی بسیار گوناگون بوده است. مجموعه‌ای از گوهرهای گرانبها را به پیشانی بند خود تعلیق می‌کرده‌اند که به بالای ابروان می‌رسیده و علاوه بر جواهراتی که بانوان ایرانی بر سر خویش داشته‌اند، بازوبندی از جواهر به پهنای دو تا سه انگشت بر مچ داشته‌اند که برای زنان متشخص این بازوبندها از مروارید بوده است. گردن بندهای بانوان ایرانی رشته زنجیر زرین با مرواریدی بوده که به گردن خویش می‌آویخته‌اند و تا پایین سینه امتداد داشته و در انتها به عطردانی مشبک از جنس طلا ختم می‌شده است، اما انگشتان آنها مملو از انگشتر بوده است. بانوان همچنین کمربندهایی به عرض چهار انگشت

بکشند (۲۱:ص ۲۷۴) و شخص خوانسالار بزرگ با یک چنگال و قاشق بلند طلا که ظاهراً علامت خدمت و شغل خاص او بوده، در مجلس حضور می داشته است (۱۶:ص ۷۹؛ ۲۶:ص ۹۵). همانند ایشیک آقاسی^(۱۶) که عصایی زرین مزین به جواهر در دست می داشته است (۱۶:ص ۲۵۷) و صدراعظم که قلمدان مرصعی به طول هفت بند انگشت و عرض ۱/۵ بند به پر شال خود می بسته است (۱۷:ج ۸، ص ۲۳۳). در پایان مراسم ناهار با آفتابه لگنی از طلای مینانشان مدعوین دست خود را می شسته اند (۱۸:ج ۳ ص ۱۲۹۰)

شاردن پس از دیدار از شیره خانه که آبدارخانه همایونی بوده، ارزش آن آثار هنری و صنعتی فوق العاده نفیس را غیرقابل تصور و باورنکردنی می داند و می افزاید: مکرر سعی کردم که از ارزش و احصایه آنها اطلاعات دقیقی به دست آوردم، چون در دفاتر ثبت تمام خصوصیات آنها به دقت ضبط شده است، ولی تمام مساعی من در این خصوص باطل ماند، تمام جوابها در این جملات خلاصه می شد: «مبالغ سنگینی صرف شده است و تعداد شماره ندارد.» شاردن به نقل از آبدارباشی تعداد ظروف آلات جواهرنشان شاهنشاه را چهارهزار قطعه می داند (۱۷:ج ۳، ص ۲۹۰؛ ۲۱:ص ۲۵۰). شاردن جایی دیگر بهای ظروف و میلان طلای شاه را از پنجاه میلیون افزون می داند و پس از وزن کردن قابهای بزرگ با سرپوش وزن آن را ۸۲ مارک^(۱۷) حساب می کند (۱۸:ج ۳، ص ۱۲۹۳). وی به هنگام معامله جواهرات با خواهرشاه عباس دوم به جای پول، سینی اسی دریافت می کند که ششصد اونس حدود ۱۸ کیلوگرم طلای ناب داشته است (۱۷:ج ۳، ص ۲۹۱). کمفرفقیمت اسباب سفره و ظروفی را که در انبارها تعداد آنها به هزار می رسد و برای ضیافتهای دربار استفاده می گردد، سیصد هزار تومان (۵ میلیون تالر) می داند (۲۱:ص ۲۷۹). در کاخ چهلستون پرده هایی از نقاشی صفوی بر دیوار ترسیم گردیده که در آنها می توان به زیبایی البسه و زیور آلات درباریان و ظروفی که سیاحان به تفصیل از آنها سخن گفته اند، پی برد. در یکی از این پرده ها شاه عباس اول و ندر محمد خان پادشاه ترکستان به اتفاق درباریان با لباسهای باشکوهشان و ظروف گرانبهایی که بر سر خوان سلطنتی قرار داده شده، به تصویر کشیده

۳- اثاثیه قصرهای سلطنتی در عصر صفوی

جدای از جواهرآلاتی که استفاده شخصی داشت، دربار و کاخهای صفوی مملو از ظروف و وسایلی بود که از زر و سیم ساخته شده و مزین به سنگ های قیمتی بود. ظروف زرین و مرصع، ظروف معمول سفره شاهان صفوی به حساب می آمد (۸:ص ۲۳۶؛ ۹:ص ۶۳۷)، زیرا طبق یک رسم قدیمی فلزی کمتر از طلای ناب نباید از آستانه تالار پذیرایی شاه به درون راه یابد (۲۱:ص ۲۵۱). پادشاه ایران گرانبهاترین و بیشترین ظروف غذاخوری زرین جواهرنشان را دارا بوده است (۱۸:ج ۳، ص ۱۲۹۳)؛ به طوری که هنگامی که سیاحان وارد دربار می شده اند، مات و میهوت این ظروف می گردیده اند (۱۷:ج ۴، ص ۱۹۸).

شاهان صفوی با استفاده از این تجملات و تشریفات سعی می نموده اند تا اعتبار و شوکت دربار خود را در چشم بیگانگان و همچنین رعایای خود بیش از پیش افزونی بخشند؛ چنان که بیشتر سیاحان دربار صفوی درباره شکوه و جلال دربار با آب و تاب فراوان سخن گفته اند.

ظروف غذایی که به حضور شاه می آورده اند، همه از طلای ناب و بیش از سه پا ضخامت داشته، همچنین صندوق مخصوص غذای شاه همراه قفل زرین ظرف غذا و سرپوش های غذا همه از طلا بوده و تخت روانی نیز که بر روی آن ظروف شاه حمل می گردیده، از تیغه های طلا پوشیده شده بوده است (۲۶:ب، ص ۹۵؛ ۱۶:ص ۷۸). بطریها و جامههایی که در آن شراب می ریخته اند، همه از طلا بوده و بر روی آنها میناکاری و جواهرکاری با فیروزه و عقیق شده بوده است (۱۶:ص ۱۲، ۱۸:ص ۳۳۳؛ ۲۶:ص ۹۶) که هرگاه انسان روی خود را برمی گردانده، جز طلا نمی دیده است. این کوزه ها کاملاً براق و صیقلی و هنرمندانه بوده اند (۴:ص ۱۹۸). بعضی از جامه های شراب چنان بزرگ بوده که با یک دست هنگام پر بودن، برداشتن آن مشکل بوده و فنجانهای بزرگی به نام هزارپیشه بوده که مفهوم هزار وهم و خیال باطل را می رسانده است (۱۷:ج ۳، ص ۲۸۹). ظرفهای کوچکتر بسیار سنگین از طلا نیز با جای مخصوص دهان و حاشیه پهن به تعداد میهمانان گزارده بودند که اگر خواستند، آب دهان را در آن بیندازند (۲۱:ص ۲۵۷). همچنین هریک از خدمه ها ملاقه های بلند طلا درکمر داشته اند که برای میهمانان غذا

داشته است و شاه طهماسب نیز در جواب این هدیه گرانبها، جواهرات و تاج و کمر مرصع و همچنین خنجر پدرش، شاه اسماعیل اول را به جهت فتح و تصرف و شگون به او ارزانی می‌دارد (۱۴: ج ۲، صص: ۳۹۸-۴۰۱؛ ۲: ج ۱، صص: ۱۶۱-۱۶۵؛ ۳۰: ج ۱، صص: ۳۲۰-۳۲۶؛ ۱۰: صص: ۳۹۱؛ ۲۸، صص: ۵۴)، اما هدایای نه چندان قیمتی که محمدرضا بیگ به دربار لویی چهاردهم تقدیم می‌دارد، باعث می‌شود که در صحت سفارت او تردید ایجاد گردد. این هدایا شامل ۱۰۶ عدد مروارید ریز، ۲۰۸ قطعه فیروزه ریز و درشت و دو جعبه از طلای خالص مرصع به جواهر بوده است (۵: صص: ۳۳؛ ۳۵: صص: ۱۱۴ و ۱۱۵) حتی در مواقعی پیش می‌آمده هنگامی که پادشاه صفوی با پادشاهان دیگر روابطی خصمانه داشته است، از وسایل زرین و مرصع استفاده می‌کرده است؛ چنانکه شاه اسماعیل پیش از شروع جنگ چالدران جعبه‌ای از طلا محتوی مقداری تریاک را به جهت کوچک کردن سلطان سلیم سوی او ارسال می‌دارد تا بدین وسیله سلطان سلیم را که عادت به خوردن تریاک داشته است، تحقیر نماید (۱: صص: ۳۸۴-۳۸۵؛ ۲۷: صص: ۱۲۷). حکام و والیان نیز با ارسال پیشکشی می‌کوشیده‌اند تا مقام و موقعیت خود را حفظ نموده، از مقربین شاه به حساب آیند. گاه رعایای مناطق مختلف، با ارسال این هدایا می‌توانسته‌اند خود را از ظلم و خشم دولتیان مصون بدارند.

هریک از بزرگان هدیه‌ای از گوهرهای گرانبها و دیگر اقلام نفیس را برحسب مقام و مقهور خویش به حضور پادشاه تقدیم می‌نمود. اکثر بزرگان طلا پیشکش می‌کردند و استدلال می‌نمودند که در تمام عالم تحفه مناسبی برای صندوق‌خانه همایونی وجود ندارد. بدین ترتیب، شاه در عید نوروز ثروت سرشاری را بدست می‌آورد و هم بر موجودی خزاین خود می‌افزود و هم یک قسمت از آن را بین اعضای بیشمار دربار تقسیم می‌کرد. (۱۷: ج ۲، صص: ۲۶۵) متصدی اخذ هدایای مخصوص، پیش کش باشی نام داشت (۱۸: ج ۳، صص: ۲۱۱). تمام هدایا و پیشکشهایی که برای شاه می‌آوردند، از روی دقت تقویم می‌گردید (۹: صص: ۴۸۳) و بعد از این تشریفات هر قطعه از هدایا و تحف را میان مأمورین مخصوص شاه که متصدی قسمت مربوطه بود، تقسیم می‌نمودند. فهرست هدایا چنان با دقت به ثبت می‌رسید که

شده‌اند. گویها و ستونهای زرین خیمه و خرگاه شاهان صفوی که بسیار مجلل و پرطمطراق بوده‌اند و با پارچه ابریشمی زیبا گلدوزی شده و با زر و سیم ساخته شده بودند، خود نمونه دیگری از هنرمندی هنرمندان عصر صفوی به حساب می‌آمده است. این خیمه‌ها چنان وسیع بوده که در درون آنها حمامها، حوضهای آب و باغچه و گلدانهای گل وجود داشته است (۱۸: ج ۳، صص: ۱۲۹۴؛ ۲۶: صص: ۱۶؛ ۱۰۱: صص: ۱۱۱). هنر دوختن جواهرات بر روی ماهوت زرین بالشها و متکاها به قدری استادانه بوده است که شاردن به سبب پرکاری دوختن مروارید الماس و زمرد و یاقوت و دیگر گوهرها به روی پارچه، از تشخیص جنس و متن پارچه ناتوان مانده است (۱۷: ج ۹، صص: ۹۸). کوتاه سخن آنکه هنرمندان توانسته بودند از فرصت ایجاد شده نهایت استفاده را بنمایند و در پرتو حمایت شاهان صفوی به خلق و آفرینش آثار بی نظیری بپردازند و در رشته‌های گوناگون هنر خود را اعتلا بخشند.

اهدای جواهرات در عصر صفویان

بخش عمده‌ای از جواهرات موجود در خزاین صفوی توسط مأموران دولت از بازارهای معروف جواهر در اروپا و هند و عثمانی خریداری می‌شد و بعضی نیز توسط خود شاهان از تجار اروپایی به دست می‌آمد، ولی بخش عمده‌ای نیز مجموعه‌ای بود که توسط پادشاهان کشورها، سفراء حکام و والیان به پادشاه اهدا می‌گردید. در این خصوص آمده است: «پادشاهان ایران به قدری به دریافت تحف و هدایا عادت دارند که این چیزها برایشان شایان توجه نمی‌باشد» (۱۷: ج ۳، صص: ۲۶۷).

پادشاهان کشورها به منظور نشان دادن قدرت و ثروت خود و ابراز ارزشی که برای روابط خود با کشور مقابل داشته‌اند، هدایای گرانبهایی را ارسال می‌داشتند و بدین ترتیب سعی می‌نمودند تا روابط خود را با کشورهای مورد نظر در سطح مطلوبی حفظ نمایند. کیفیت و ارزش این هدایا که بیشتر از طلا و جواهرات در آنها استفاده می‌شده است، بسته به ارزشی داشت که پادشاهان کشورها برای روابط خود با دیگر کشورها قایل بوده‌اند؛ مثلاً همایون به هنگام پناهنده شدنش به دربار ایران الماسی به شاه طهماسب هدیه می‌نماید که چهار مثقال و چهار دانگ وزن

اگر می‌خواستند تمام جزئیات هدایا و تحفی را که طی دو بیست سال به پادشاهان صفوی تقدیم شده بود مشخص نمایند، در کمال سرعت و سهولت انجام می‌گرفت (۱۷:ج ۳، ص ۲۷۰).

در منابع اشاراتی به هدایا و جواهراتی که به پادشاهان صفوی تقدیم می‌شده، اشاره‌هایی شده است؛ مثلاً توماس هربرت در سفرنامه خود در توصیفی از هدایای حاکم شیراز می‌گوید که بر سیصد شتر حمل می‌گردیده شامل ۴۹ جام طلا و ۷۲ جام نقره و دیگر نوادر بوده است و ارزش آنها را ۴۶۰ لاری^(۱۹) و پنج هزار فلورین^(۲۰) می‌داند (36:p 226). صورت هدایای کمپانی فرانسوی در یکی از منابع چنین است: ۱- یک رشته زمرد و الماس؛ ۲- یک قطعه انگشتر زمرد؛ ۳- یک حلقه یاقوت درشت و بزرگ (۱۷:ج ۳، ص ۲۶۵). همچنین بخشی از هدایایی که از طرف پادشاه اسپانیا توسط سفیر آن کشور به شاه عباس اول تقدیم شده بود، عبارت بود از چندین ظرف بزرگ، آفتابه‌های نقره طلا کوب، شش شمشیر و یک خنجر زرنشان با بند حمایل مرصع (۲۳: ص ۲۶۲). تاورنیه در مورد علاقه شاه عباس اول به هدایای تقدیمی می‌نویسد عادت شاه این است که به جواهر و ظروف طلا و نقره و پارچه‌های گران قیمت و غیره ظاهراً اعتنایی نمی‌کند، ولی البته باطنا به دریافت این اشیا علاقه فوق‌العاده‌ای دارد؛ منتها به وسایل شکار و جنگ اگر هم واقعاً زیاد توجهی نداشته باشد، خیلی اظهار علاقه می‌کند تا مردم تصور کنند سلیقه او چنین است و اتباع او که به سبک رفتار و کردارش آگاهی دارند و به تمایلات مخفی و آشکارش واقفند، سعی می‌کنند در عین حال که هدایای قیمتی برای او بیاورند، این قبیل هدایای کم قیمت را نیز که ظاهراً جلب توجه شاه را می‌کند، ضمیمه کنند تا حفظ ظاهر شاه را کرده باشند (۹: ص ۲۳۲). توماس هربرت در سفرنامه خود به نکته جالبی اشاره می‌کند و می‌نویسد اگر به شاه عباس ظرف طلائی هدیه بشود، اگر سنگین تر و پرت‌تر باشد، بیشتر قابل ستایش است تا اینکه سنگین و حجیم نباشد. برای او ارزش بیشتر در وزن می‌باشد تا هنر و سلیقه در کار انجام شده (36:p 224).

عقود جواهر بی حد و...» برای پادشاه آوردند (۳:ص ۱۰۹). در جای دیگر کتاب به توضیح پیشکش‌هایی که برای پادشاه صفوی آورده‌اند می‌پردازد: «آن جماعت نیز با تحف و هدایای ملوکانه از نقود و اجناس بی قیاس، ... و قطار غلامان ماه طلعت خورشید رخسار و کنیزان ناهید صورت گل‌عذار و کمر شمشیرهای مصری ساز مرصع نیام و پیسوز و گل‌دانه‌ها، از طلای پخته و نقره خام به توسط امرای عالی مقام به رسم پیشکش کشیدند» (۳:ص ۴۴). البته، این ردوبدل کردن هدایا به صورت متقابل بوده است و هدایایی با عنوان خلعت به سفرا و بزرگان از سوی پادشاه تعلق می‌گرفته است. در یکی از منابع صحبت از بخشش تخم مرغ‌هایی در عید نوروز توسط شاه میان سوگلی‌هایش می‌کند که هر کدام سه دوکا^(۲۱) طلا ارزش داشته‌اند و مستور از طلا و مزین به چهار صورت با مینیاتور بسیار نفیس بوده‌اند که ۵۰۰ عدد از آنها را در بشقاب‌های بسیار نفیس پخش می‌کرده‌اند (۱۷:ج ۲، ص ۳۹۴). جهانگردان غربی در موارد متعدد از خلعت‌های خود صحبت به میان آورده‌اند که شامل جواهرات و یا اسب‌هایی با زین و یراق طلا و جواهر بوده است (۲۳:ص ۶۴).

در سفرنامه شرلی بیان شده پادشاه چهارده دست زین و یراق هدیه می‌دهد که دوتای آن زردوزی شده و به فیروزه و یاقوت مکلل بود (۲۰: ص ۸۵) شاردن با توصیف انواع خلعت‌ها، از البسه‌های سخن می‌گوید که مزین به مروارید و جواهرات بوده و هزار تومان معادل پانزده هزار اکو قیمت داشته است و توضیح می‌دهد که در سال ۱۶۶۶ شاهد اعطای یک دست خلعت جواهرنشان به سفیر هندوستان بوده که صد هزار اکو قیمت داشته است (۱۷: ج ۳، ص ۳۰۵). این خلعت گرانقیمت نشان می‌دهد که تا چه حد دولت صفوی برای روابط خود با کشور همسایه، هندوستان، اهمیت قایل بوده است.

شاردن همچنین به شرح خلعت‌های فرستاده کمپانی فرانسوی، عامل کمپانی انگلیسی و سفیر مسکوی می‌پردازد (۱۷:ج ۳، ص ۳۰۶). پولهایی که شاهان صفوی از بابت این عطایا خرج می‌نموده‌اند فوق‌العاده زیاد بوده است و مأموران و متصدیان مخازن نیز نسبت به عطایا و هدایای شاهانه حقوقی داشته‌اند، در صورتی که انعام شاهانه جواهرات بود و

در منابع اشاراتی به هدایا و جواهراتی که به پادشاهان صفوی تقدیم می‌شده، اشاره‌هایی شده است؛ مثلاً توماس هربرت در سفرنامه خود در توصیفی از هدایای حاکم شیراز می‌گوید که بر سیصد شتر حمل می‌گردیده شامل ۴۹ جام طلا و ۷۲ جام نقره و دیگر نوادر بوده است و ارزش آنها را ۴۶۰ لاری^(۱۹) و پنج هزار فلورین^(۲۰) می‌داند (36:p 226). صورت هدایای کمپانی فرانسوی در یکی از منابع چنین است: ۱- یک رشته زمرد و الماس؛ ۲- یک قطعه انگشتر زمرد؛ ۳- یک حلقه یاقوت درشت و بزرگ (۱۷:ج ۳، ص ۲۶۵). همچنین بخشی از هدایایی که از طرف پادشاه اسپانیا توسط سفیر آن کشور به شاه عباس اول تقدیم شده بود، عبارت بود از چندین ظرف بزرگ، آفتابه‌های نقره طلا کوب، شش شمشیر و یک خنجر زرنشان با بند حمایل مرصع (۲۳: ص ۲۶۲). تاورنیه در مورد علاقه شاه عباس اول به هدایای تقدیمی می‌نویسد عادت شاه این است که به جواهر و ظروف طلا و نقره و پارچه‌های گران قیمت و غیره ظاهراً اعتنایی نمی‌کند، ولی البته باطنا به دریافت این اشیا علاقه فوق‌العاده‌ای دارد؛ منتها به وسایل شکار و جنگ اگر هم واقعاً زیاد توجهی نداشته باشد، خیلی اظهار علاقه می‌کند تا مردم تصور کنند سلیقه او چنین است و اتباع او که به سبک رفتار و کردارش آگاهی دارند و به تمایلات مخفی و آشکارش واقفند، سعی می‌کنند در عین حال که هدایای قیمتی برای او بیاورند، این قبیل هدایای کم قیمت را نیز که ظاهراً جلب توجه شاه را می‌کند، ضمیمه کنند تا حفظ ظاهر شاه را کرده باشند (۹: ص ۲۳۲). توماس هربرت در سفرنامه خود به نکته جالبی اشاره می‌کند و می‌نویسد اگر به شاه عباس ظرف طلائی هدیه بشود، اگر سنگین تر و پرت‌تر باشد، بیشتر قابل ستایش است تا اینکه سنگین و حجیم نباشد. برای او ارزش بیشتر در وزن می‌باشد تا هنر و سلیقه در کار انجام شده (36:p 224).

در نقاوه الآثار در توضیح پیشکش‌های سلاطین گرجستان آمده است: «ایلچیان قاعده‌دان با پیشکش‌های فراوان از نفیس اجناس بی پایان و نقود ابیض و احمر و

جواهرات و غنایم جنگی در دوران صفویان

جدا از هدایایی که رعایا و سفرا پیشکش دربار صفوی می‌نموده‌اند، خود شاهان صفوی نیز طی جنگهای فراوانی که داشته‌اند، موفق به تحصیل غنایم گرانبهایی از جواهرات تا دیگر موارد از نقاط مختلف می‌گشته‌اند. این نبردها که به هدف کسب ثروت و گسترش قلمرو صورت می‌پذیرفته، در پشت عناوینی نظیر جهاد و غزا مستتر می‌گردیده است. یکی از نقاطی که غنایم بسیار ارزنده‌ای داشته، است منطقه گرجستان بوده است. در حمله‌ای که در دوره شاه تهماسب اول صورت می‌گیرد، غنایم فراوانی نصیب دربار صفوی می‌گردد و بنابر نوشته «تمامی غازیان و جمیع لشکریان از غنایم غنی و از یغمای کسب مستغنی گشتند» (۲۴:ص ۵۰۱). در این جنگها ثروتهای فراوانی از زر و گوهر و غلام گرفته تا دیگر موارد نصیب سپاهیان فاتح می‌شد.

بدست غازیان آمد ز کفار

طلای مغربی خروارخروار

ز نقره آنقدر کردند غارت

کزو ملکی توان کردن عمارت

بسی درج پر از یاقوت احمر

لبالب حقه‌ها از لعل و گوهر

ز درو گوهر و یاقوت الماس

صراحی و قحح با تبشی و طاس

ز سیم و زر در آن تاراج و یغما

زهر گونه جواهرهای اعلا

به دست غازیان افتاد چندان

که تعدادش به چندین قرن نتوان

در جای دیگر کتاب **خلاصه التواریخ** آمده است: «و بعد از فتوح قلاع و نهب و غارت بلاد، غازیان نصرت قرین از نفایس، از هر جنس خصوصاً درّ و گوهر و زر و زیور که لیاقت نثار درگاه عالم پناه داشته و به نظر اشرف رسانیدند.

غنیمت کشان بر در و شهریار

غنیمت کشیدند بیش از شمار

بسی درج و صندوق با قفل زر

پر از لعل و یاقوت و درو گهر

ز روزیور و گوهر شاهوار

برون از قیاس و فزون از شمار»

درصد بهای آن می‌بایست به زرگرباشی داده می‌شد (۱۷:ج ۳، ص ۳۰۶).

این رسم اهدای جواهرات شامل اماکن مقدس نیز می‌گردیده؛ چنانکه شاه عباس به مانند اجداد خود که قرآنها و قندیلهای طلای مرصع و فرشهای نفیس، ... به عتبات اهدا می‌نمودند (۲۹: ص ۲۰۴؛ ۱۱:ج ۱، ص ۶۶). وی نیز یک بار در روز چهاردهم ربیع الثانی ۱۰۱۷ دستور داد که قسمتی از خنجرها و شمشیرها و زین‌های مرصعش را شکستند و جواهرگرانبهایی آن را از لعل و یاقوت فیروزه و غیر با طلای کافی به نجف فرستاد تا در صندوق آرامگاه علی بن ابی طالب به کار برند (۲۲: ۸۷۲). این اهدای جواهرات با عنوان وقف صورت می‌گرفته است؛ چنانکه ولیقلی‌خان شاملو در **قصص الخاقانی** می‌نویسد: «[شاه عباس] جمیع جواهر و مرصع آلات خود را برمرقد مقدس و مشهد مطهر حضرت امیرالمؤمنین که از آن چهارقبه مرصع ساخته، به ضریح منور نصب شود و طلاآلات خود را خود به نفس نفیس آن شاء الله تعالی به زیارت آن عتبه عرش مرتبه مشرف گردد و گنبد اشرف اقدس را از آن مطلا سازد و اگر پادشاه وقت یک دانه از آن جواهر یک مثقال از آن طلا یا نقره تصرف نماید، خون آن حضرت را خورده باشد» (۱۹: ج ۱، صص ۱۹۳-۱۹۴).

از این مطلب نگاشته شده به خوبی پیداست که شاه عباس تا چه میزان به حضرت علی و ائمه علاقه مند بوده و از راههای گوناگون برای ابراز ارادت و دوستی خود و ترویج مذهب شیعه بهره می‌گرفته است.

در گزارش یکی از سیاحان، از کارگاه زرگری شاه صفوی یاد شده که در آن صفحات مطالایی را به شکل آجر برای پوشانیدن گنبد حرم حضرت رضا می‌ساخته‌اند. این صفحات که مقدمه سه هزار قطعه از آن را می‌باید می‌ساخته‌اند، مسین و مربع و به عرض ده شست (۳۲) و به طول شانزده و به ضخامت دو اکو (سکه زرین قدیمی) بوده است. روی صفحات چنان ضخیم زراندود بود که گمان می‌رفته طلای شمش است. برای هر قطعه سه دوکا ربعی طلا مصرف می‌شده و قریب ده اکو خرج داشته است. این صفحات از جانب پادشاه صفوی به بارگاه حضرت رضا اهدا می‌شده است (۱۷:ج ۳، ص ۳۰۳).

برای پنهان ماندن مذاکرات و چانه زنی‌های قیمت مناسب و آسان بود (۱۷:ج ۳، ص ۱۸۱). شاردن صحبت از قول و قرار با ناظر دربار می‌کند که طبق آن بر رأس‌المال (قیمت خرید) جواهرات سودی به میزان ۲۵ درصد قرارداد می‌شود و طرفین در این سود به توافق می‌رسند، اما بعد اختلاف بر سر قیمت واقعی اولیه جواهرات کار معامله را مشکل می‌سازد. سرانجام پس از بارها آوردن و سپس بردن جواهرات به دربار، معامله با وساطت زرگری‌اشی دربار به قیمت هزار و پانصد (هفت هزار پیستول) انجام می‌گیرد و شاردن از ۵ درصد مالیات به خزانه معاف می‌گردد، اما دو درصد حق زرگری‌اشی و دودرصد ناظر به جای خود باقی می‌ماند و پرداخت می‌شود (۱۷:ج ۳، صص ۱۸۳، ۲۰۲، ۲۲۶، ۲۶۲ و ۲۶۴). شاردن همچنین در سال ۱۶۶۶ م / ۱۰۷۷ ه. ق معامله ای به مبلغ ۵۰ هزار اکو با شاه عباس دوم انجام می‌دهد (۱۷:ج ۸، ص ۳۰۷). تاورنیه نیز از جریان معامله خود با دربار ایران سخن می‌گوید و همانند شاردن به چانه زنی‌ها با ناظر دربار و سود توافقی ۲۵ درصد اشاره می‌کند. سرانجام تاورنیه مبلغ نه هزار و پانصد تومان به شاه ایران جواهر می‌فروشد (۹:صص ۴۵۹ و ۴۷۲).

صرف این مبالغ هنگفت برای خرید جواهرات نشان می‌دهد که دولت صفویه تا چه حد به منابع ثروت دسترسی داشته که می‌توانسته است چنین مبالغی را برای خرید این گونه کالاها هزینه کند.

نتیجه گیری

۱- این جواهرات نموداری است از شخصیت و توانایی ملتی که آنها را پدید آورده است. تنوع آنها خود معرف اجتماعی است که آنها را ساخته است. طرح‌ها و مصالحی که در ساختن آنها به کار رفته است، مبین صنایع و هنرهای کشور است و میراث هنر ملی و تأثیر جهان خارج بر آن را نمایان می‌سازد. سلیقه حکمرانان و طبقات بالاتر اجتماع کشور را عیان می‌کند و میزان منابع در دسترس ایشان را به دست می‌دهد. کوتاه سخن آنکه این جواهرات گذشته را به چهره‌های گوناگون خود از نو هستی می‌بخشد.

در یکی از این حمله‌ها در دوره شاه تهماسب در کلیسا، بتی از طلا مکلس به جواهر قیمتی به دست می‌آورند که دو لعل گرانبه‌ای بدخشان به سان دو چشم در آن نصب کرده بودند که به بیان صحیح القولی آن را ۵۰ تومان قیمت کرده بودند (۲۴:ص ۳۵۱؛ ج ۱، ص ۱۴۱).

با مطالعه در منابع اصلی دوره صفویه چنین برمی‌آید که شاهان صفوی در حملات خود به نواحی مختلف، علی‌الخصوص به اماکن مسیحی نشین از غارت و چپاول اشیای قیمتی فروگذاری نکرده‌اند.

تجارت جواهرات در دوران صفویان

پس از صلح و امنیتی که در ایران دوره صفوی، بویژه پس از به قدرت رسیدن شاه عباس اول ایجاد شد، زمینه برای رونق گرفتن تجارت آماده گردید و بازرگانان و سیاحان در لوای امنیت ایجاد شده به سوی ایران سرازیر شدند و موجب پویاتر شدن اقتصاد ایران گردیدند. تجار کالاهایی را با خود می‌آوردند و در کشور عرضه می‌نمودند و با خرید مصنوعات ایرانی، آنها را به نقاط دیگری می‌بردند. در طی این معاملات هم خود به سود می‌رسیدند و هم باعث شکوفاتر شدن اقتصاد ایران می‌گردیدند.

معاملاتی از این دست توسط خود ماموران دولت صفوی و یا بازرگانان ایرانی (۱۷:ج ۸، ص ۴۸) در بازارهای مهم جواهر مثل استانبول و هند و .. انجام می‌گرفته است. بازرگانان دیگر کشورها نیز جواهراتی را که با خود به ایران آورده بودند، در دربار و بازار ایران عرضه می‌نمودند. ترتیب معامله جواهرات در آثار سیاحان به تفصیل بیان شده است. ابتدا جواهر فروش بعد از اجازه شرفیابی و انجام ترتیبات، جواهرات خود را به ناظر و سپس به شاه و درباریان عرضه می‌نمود. پس از اینکه گوهرها انتخاب می‌گشت، انجام معامله آغاز می‌گردید، در ابتدا کار معامله را از قطعات کوچکتر آغاز می‌نمودند آنگاه آنها را نخست به جواهرفروشان مسلمان و سپس به گوهریان ارمنی هندی نشان داده، قیمت می‌کردند. بازرگانان ایرانی هنگامی که در اجتماع درباره قیمت چیزی مذاکره می‌نمودند، هرگز به طریق تکلم مقاصد خود را بیان نمی‌نموده‌اند، بلکه با انگشتان خویش که در دستمال و یا زیر گوشه قبایشان پنهان بوده است، بهای کالا را اظهار می‌داشته‌اند. این عمل

و ساکن ماندن سرمایه به صورت اشیای قیمتی در خزانه ها و کاخها می گردید که نتیجه آن تضعیف اقتصاد، ایجاد شکاف طبقاتی و گسترش روحیه تجمل گرایی و راحت طلبی در سطوح مختلف جامعه بود. البته این دارایی قابل لمس و عیان همیشه نموداری مؤثر از توانایی و قدرت بوده است و می توانسته وسیله ای برای به دست آوردن یاران، ابزار اجیر کردن سپاهیان، دادن پاداش به خدمتگزاران صدیق و یا حتی تطمیع و خرید دشمنان باشد.

۶- جواهرات و نفایس موجود در خزاین صفوی، از طریق خرید از بازرگانان و تجار ایرانی و خارجی، غنایم به دست آمده در جنگها و هدایای پیشکش شده از طرف سلاطین و سفرا و رعایا جمع آوری می شده است.

۷- پس از دوران شاه عباس اول، شاهان صفوی از آن پویایی و شور و جوشش جنگاوری که در اسلافشان وجود داشت، فاصله گرفتند و با وجود آرامش ایجاد شده و ثروتی که از مالیاتها و چپاول و غارت مناطقی مثل گرجستان-که با عنوان اشاعه دینی صورت می گرفت-به دست آورده بودند، کم کم از اخلاق اولیه خود به دور ماندند و در راه دنیا دوستی و تجمل گرایی قرار گرفتند که این روند در دوران پایانی سلسله صفوی به اوج خود رسید و اضمحلال این دولت را شتاب بخشید.

۸- با مطالعه در فنون زرگری و جواهر سازی در دوران صفویه، نکته های بسیاری در خصوص اوضاع سیاسی این دوره برای ما معلوم شده، تأثیر و نقش این هنرها در اوضاع فرهنگ و تمدن ایرانی نیز روشن می گردد.

پی نوشت

۱- لیور واحد وزن است که از قدیم معادل ۴۸۹ گرم بود (دیانت ابوالحسن: فرهنگ تاریخی ارزشها و سنجشها، ج ۲، تبریز، انتشارات نیما، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۰۸).

۲- حبه معادل تقریباً یک بیستم گرم است (شاردن: سفرنامه، ۱۰ ج، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۹۹)

۳- کلگنده، معروفترین خطه الماس خیز هندوستان، استان مستقلی بود که پایتخت محروسی به همین نام داشت. این شهر در چند کیلومتری حیدرآباد در استان آندراپرادش کنونی قرار داشت و اکنون ویران شده است (مین وی. بی و ای. دی. تشینگام: جواهرات سلطنتی ایران، ترجمه مهرداد نیلی، تهران، بانک مرکزی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ص ۴۲)

۲- صلح و امنیت نسبی حاصل شده، مخصوصاً از عصر شاه عباس اول به بعد موجب شد تا هنرمندان و صنعتگران با استفاده از فضای ایجاد شده، با فراغ بال و آسودگی به آفرینش آثار ماندگاری در زمینه های گوناگون بپردازند؛ از نقاشی و خط و شعر... گرفته تا دیگر رشته های هنر. یکی از این موارد هنر زرگری و جواهرسازی بوده است که در پرتو حمایت شاهان صفوی، یکی از درخشانترین دوران خود را تجربه نموده است؛ به طوری که در این دوره شاهان صفوی خبرگان و متخصصانی را در زمینه ذوب و ساخت طلا و تراش جواهرات از خارج کشور به خدمت در آوردند و ساخت و تراش جواهرات در ایران را وارد مرحله تازه ای نمودند. این سلسله با توجه به گرایشهای مذهبی خود در بسیاری از موارد، از این هنر برای ابراز ارادت خودشان به بزرگان دینی و اماکن مقدسه استفاده می نمودند.

۳- ایجاد آرامش نسبی که در ایران عصر صفوی، بویژه در دوران شاه عباس اول و شاه عباس دوم ایجاد شده بود، باعث رونق گرفتن تجارت جواهرات شد و تجار کشورهای مختلف را برای انجام معاملات تجاری روانه ایران و دربار آن نمود که این معاملات هم برای تجار خارجی و هم برای اقتصاد کشور ایران سودمند بود.

۴- استفاده از شکوه و جلال فراوان در دربار شاهان صفوی و یاری گرفتن از هنر در این راه، از نظر سیاسی نیز قابل بررسی است. هنر در این زمینه به اعتلای جلال و جبروت دربار صفوی و به دنبال آن، به افزایش اعتبار و عظمت دربار ایران در برابر خودی و بیگانه کمک می کرده است؛ به طوری که با دیدن این جلال و شکوه، حتی لحظه ای در حاکمیت و فرمانروایی شاه تردیدی به خاطرها راه نمی یافته است. به بیان دیگر، مالکیت این خزاین و جواهرات به نوعی، دستیابی به قدرت، سلطنت و مشروعیت را به همراه داشته است.

۵- خزانه پادشاهان صفوی با دریافت مالیاتهایی که از سراسر کشور جمع آوری می گردید، روزه روز غنی تر و ثروتمندتر می گردید و با آرامش نسبی ایجاد شده در مرزها، این درآمدها به جای اینکه برای عمران و آبادی کشور صرف گردد، مصروف ایجاد تجملات و اشیای گرانبها می گردید. این روند هم از عمران کشوری جلوگیری می نمود و هم باعث خارج شدن سرمایه ها از چرخه اقتصاد

۱۷- هرمارک هشت انس است و هر انس ۳۰/۵۹ گرم می باشد (شاردن، ج ۳، ص ۲۶۶).

۱۸- پوند از آحاد جرم و وزن در بعضی ممالک انگلیسی زبان است. هر پوند در دستگاه متری معادل ۴۵۲/۵۹۲۴۲۷۷ گرم است. (دیانت، ج ۱، ص ۹۶)

۱۹- لاری مسکوکی بوده به شکل، و تقریباً به بزرگی هسته خرما که در لار فارس به وسیله امیر آن ناحیه ضرب می گردید و از جنس نقره بود. ارزش هر لاری پنج هشتم عباسی بوده است (دیانت، ج ۲، ص ۲۳۸).

۲۰- فلورین نام مسکوک هلندی است که در ایران به نام فلوری رواج داشته و اولین بار به سال ۱۲۵۳ میلادی در فلورانس ضرب گردید. این سکه ابتدا از طلا بود، ولی بعدها از نقره ضرب گردید (دیانت، ج ۲، ص ۲۱۱).

۲۱- دوکا از مسکوکات هلندی است و هر دوکا در دوره شاه طهماسب، پنج بیستی (بیست دیناری) ارزش داشته. تاورنیه ارزش این مسکوک را معادل دو اکو فرانسه و بیست و شش شاهی به پول ایران می نویسد (دیانت، ج ۲، ص ۱۶۶).

۲۲- هر شست ۰/۲۰۷ متر است (شاردن، ج ۳، ص ۳۰۳).

منابع:

- ۱- احمد فریدون بیک توقیعی: **مجموعه منشآت السلاطین**، ج ۲، استامبول، ۱۲۶۴ هـ.ق.
- ۲- اسکندر بیک منشی: **تاریخ عالم آرای عباسی**، ج ۲، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷
- ۳- افوشته‌ای نطنزی، محمدبن هدایت الله: **نقاوه الآثار فی ذکر الاخبار**، به اهتمام احسان اشراقی، شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۴- اولئاریوس، آدام: **سفرنامه**، ترجمه احمد بهپور، سازمان انتشارات و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳.
- ۵- انصاری، حسین: **محمد رضا بیک در پاریس**، شرکت سهامی چهر، تهران، ۱۳۲۴.
- ۶- باستانی پاریزی، محمدابراهیم: **سیاست و اقتصاد عصر صفوی**، صفی علیشاه تهران ۱۳۵۷
- ۷- بدلیسی، شرف خان: **شرفنامه**، ج ۲، با مقدمه و تعلیقات محمد عباسی، تهران، ۱۳۴۳.
- ۸- پیتر دلاواله: **سفرنامه**؛ قسمت مربوط به ایران، ترجمه شعاع الدین شفا، انتشارات علمی و فرهنگی تهران ۱۳۷۰.
- ۹- تاورنیه، ژان باتیست: **سفرنامه**، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان، کتاب فروشی تائید اصفهان ۱۳۳۶

- ۴- پایتخت منطقه ای است به همین نام از سرزمین بیرمانی (شاردن، ص ۱۰۱).
- ۵- مقال در واحد وزن یکی از قدیمیترین آحاد وزن است و معادل ۴/۶۸۷ گرم است (دیانت، ج ۲، صص ۴۱۹-۴۱۳).
- ۶- ذرع به احتمال از اوایل قرن هشتم هجری و به طور یقین از دوره صفویه در ایران متداول شده است. ذرع شاهی که شاردن در سیاحت‌نامه خود از آن نام برده، آن را تقریباً معادل ۹۵ سانتیمتر دانسته اند (دیانت، ج ۱، ص ۲۳۸).
- ۷- هر پا ۰/۳۲۴۸ متر است (شاردن، ج ۹، ص ۳۹۵).
- ۸- واحد طلای قدیم فرانسه (شاردن، ج ۷، ص ۲۷۲).
- ۹- ذراع، (Aune) ۱/۱۱۸ متر می باشد (شاردن، ج ۳، ص ۳۶۶).
- ۱۰- قیراط واحد وزنی است که در سنجش گوهرها به کار می رود و تا سال ۱۹۱۴ متغیر بوده است. از آن تاریخ تا کنون به ۰/۲۰۰۰ گرم تثبیت شده است (دیانت، ج ۱، ص ۳۶۱؛ ادیب داریوش، **جهان جواهرات**، ج ۴، [بی‌جا]، انتشارات یادواره اسدی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰).
- ۱۱- الکسیس میخائیلویچ پس از پدرش میشل رومانوف در سال ۱۶۴۵ از طرف مجلس کبیر به تزاری روسیه انتخاب گردید. در زمان وی مسکو از حالت انزوا خارج گردید و روابط بین روسیه و غرب رو به استحکام نهاد. وی در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۶۷۶ درگذشت و فرزندش فئودور جانشین او گردید (بریان شانی نوف. ن، **تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب کبیر**، ترجمه و اقتباس خانابا بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، صص ۱۰۰-۱۰۳).
- ۱۲- خاندان گودونوف از مشرق زمین بودند و اخلاف او همگی از خدمتگزاران باوقای فرمانروایان بزرگ مسکو بودند. وی به دنبال ازدواج خواهرش، ایرن، با تزار جدید روسیه، فئودور، توانست در دربار موقعیت مناسبی بیابد. پس از مرگ تزار فئودور، گودونوف به اصرار خواهر و روحانیان و قاطبه ملت قبول سلطنت نمود و سرانجام در تاریخ ۳۱ آوریل ۱۶۰۵ دار فانی را وداع گفت (بریان شانی نوف. ن، صص ۸۸-۹۰).
- ۱۳- ۵۰ عباسی را یک تومان می گفتند، یک تومان معادل ۱۱۵ اکو بوده است (دیانت، ج ۲، صص ۹۴ و ۱۲۴).
- ۱۴- اکو معادل سه لیور فرانسه است و تا شش لیور هم تقویم می گردد و نخست سکه ای است که سن لویی پادشاه معروف فرانسه ضرب کرده است (دیانت، ج ۲، ص ۱۶).
- ۱۵- گروس: یک هشتم انس است و هر انس ۳۰/۵۹ گرم می باشد (شاردن، ج ۱۱، ص ۳۰۱).
- ۱۶- ایشیک آقاسی: او رئیس تمام کارکنان دربار بود و نظم امور مجالس را بر عهده داشت و فهرست پیشکشی‌ها در نهایت تقدیم او می گردید. (نوایی T عبدالحسین و عباسقلی غفارفر: **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفوی**، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۱۱).

۲۷- نوائی، عبدالحسین: **شاه اسماعیل صفوی**؛ اسناد مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی، انتشارات ارغوان، تهران، ۱۳۶۸.

۲۸- نوائی، عبدالحسین: **شاه طهماسب صفوی**، اسناد مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی، انتشارات ارغوان، تهران، ۱۳۶۸.

۲۹- ماهره، سعادت: **مشهدالامام معلی فی النجف و ما به من الهدایا و التحف**، قاهره نشر دارالمعارف بمصر، [بی تا].

۳۰- مبارک، شیخ ابوالفضل: **اکبرنامه**، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.

۳۱- محمدابراهیم بن زین العابدین نصیری: **دستور شهپریاران**، به کوشش محمدناصر نصیری مقدم، بنیاد موقوفات دکتر محمد افشار، تهران ۱۳۷۳.

۳۲- میرجعفری، حسین: «تاجلی خانم؛ زن ستیپهنده چالدران»، **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز**؛ سال ۲۶، شماره مسلسل ۱۱۲، زمستان ۱۳۵۳، صص ۴۶۸-۴۸۱.

۳۳- میرجعفری، حسین: «قلعه قهقهه و اهمیت آن در عصر صفویه»، **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، شماره ۱۸ و ۱۹ پاییز و زمستان، ۱۳۷۸، صص ۱-۱۸.

۳۴- وحید قزوینی، محمدطاهر: **عباسنامه**، تصحیح ابراهیم دهگان، کتابفروشی داودی، اراک ۱۳۲۹.

۳۵- هربرت، موریس: **محمد رضا بیگ، سفیر ایران در دربار لوئی چهاردهم**، ترجمه عبدالحسین وجدانی، به کوشش همایون شهیدی، انتشارات گزارش، تهران، ۱۳۶۲.

36. Herbert, Thomas, *Travels in Persia 1627 - 29*, London, 1928.

37. Goncharenko v. s and v. I. *Narozhnaya Moscow. Kremlin state The ARMOURY museum-preserve of History and culture. Red square, Belgium . 2000.*

38. Manucci Niccolao, *storia do Mogor or Mogul India, 1653 - 1708*. Trans by wllilliam Irvine .vol.1, London ,1907 .

39. Luft, Paul, *Iran under schah Abbas II (1642 - 1666)* Gotingen 1969.

40. Pope Arthur upham. *A survey of Persian art. 6 vols. Oxford 1938 - 58.*

41. Rice david . Talbot , *Islamic art, thames and Hudson London, 1975.*

۱۰- خواند میر: **ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی**، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، بنیاد موقوفه دکتر محمدافشار، تهران، ۱۳۷۰.

۱۱- **دایرةالمعارف تشیع**، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، ج ۱، تهران بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۶۹.

۱۲- دن گارسیا، دسلوا فیگوئروا: **سفرنامه**، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.

۱۳- دولیه دلند، آندره، **زیباییهای ایران**، ترجمه محسن صبا، انجمن دوستداران کتاب، تهران ۲۵۳۵ شاهنشاهی.

۱۴- روملو، حسن بیگ: **احسن التواریخ**، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۷.

۱۵- زاوشی، محمد، **کانی شناسی در ایران قدیم**، ج ۲، بنیاد فرهنگ ایران، (تهران) ۱۳۴۸.

۱۶- سانسون، مارتین: **سفرنامه**، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ۱۳۴۶.

۱۷- شاردن، جان: **سفرنامه**، ج ۱۰، ترجمه محمدعباسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶.

۱۸- _____: **سفرنامه**، ج ۵، ترجمه اقبال یغمائی، انتشارات توس، تهران ۱۳۷۳.

۱۹- شاملو، ولی قلی بن داود قلی: **قصص الخاقانی**، ج ۲، تصحیح سید حسن سادات ناصری، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۱.

۲۰- شرلی، **سفرنامه برادران شرلی**، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، انتشارات نگاه، ۱۳۶۲.

۲۱- کمپفر، انگلبرت: **سفرنامه کمپفر به ایران**، ترجمه کیکاووس جهاندار، خوارزمی، تهران ۱۳۶۳.

۲۲- فلسفی، نصرالله: **زندگانی شاه عباس اول**، جلد ۵، انتشارات علمی، تهران ۱۳۷۱.

۲۳- فیدالگو، گرگوریو پریرا. **گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی**، ترجمه پروین حکمت، دانشگاه تهران، ۲۵۳۷ شاهنشاهی.

۲۴- قاضی احمد بن شرف الدین الحسین الحسینی القمی، **خلاصه التواریخ**، تصحیح احسان اشراقی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

۲۵- قزوینی، ابوالحسن: **فوائدالصفویه**، تصحیح مریم میراحمدی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.

۲۶- **نامه های شگفت انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه**، ترجمه بهرام فره وشی، مؤسسه علمی اندیشه جوان، تهران، ۱۳۷۰.